

کلاس درس پرورش خلاقیت

رامین ملایی

کارشناس مشاوره - تبادکان مشهد

مقدمه:

استثنا هستم.» (لفرانکوئیس، ۱۳۷۰)
خلاقیت، یکی از دشوارترین موضوع‌های تحقیق است. همان‌طور که براون متذکر شده است، روان‌شناسان در این باره که خلاقیت یک خصوصیت شناختی، شخصیتی، محیطی یا ترکیبی از هر سه است، اختلاف نظر دارند. به علاوه دربارهٔ ابزارهای گوناگون که برای اندازه‌گیری خلاقیت ساخته شده

در مطالعهٔ خلاقیت، سه بُعد اساسی باید مورد توجه قرار گیرد: توصیف رفتار خلاق، ویژگی‌های افراد خلاق و روش‌های رشد خلاقیت. در بُعد اول، در جست و جوی پاسخ به این سؤال هستیم که رفتار خلاق و غیر خلاق چیست؟ در بُعد دوم خلاقیت، در پی شناخت خصوصیات بارز افراد خلاق هستیم، یعنی می‌خواهیم بدانیم افراد خلاق با افراد غیر خلاق چه تفاوت‌های روانی و شخصیتی دارند. سرانجام در بُعد سوم تلاش می‌کنیم که با استفاده از روش‌های مختلف و فراهم کردن فرصت‌های لازم، خلاقیت را در دانش‌آموزان پرورش دهیم. در مقاله حاضر به ابعاد اساسی مطالعهٔ خلاقیت از جنبه‌های گوناگون توجه شده است.

شیوه‌های توصیف و اندازه‌گیری رفتار خلاق

از مسایل عمده‌ای که از نیمهٔ اول قرن بیستم به بعد در صحنهٔ اندازه‌گیری روانی ظاهر شد، مسئلهٔ اندازه‌گیری آفرینندگی یا خلاقیت است. (آناستازی، ۱۳۶۴) مقدار زیادی کار و توجه در دو دههٔ اخیر، به ویژه بعد از کارهای جی. پی گیلفورد (۱۹۵۹)، معطوف به موضوع خلاقیت شده است.

اما سؤالات اصلی در تحقیق و تفکر دربارهٔ خلاقیت، تا حدود زیادی حل نشدنی باقی مانده است. در مورد این که «خلاقیت چیست؟» شمار قلیلی از افراد اتفاق نظر دارند. زمانی که استفن وینستن (۱۹۴۹) شرح حال نویس جورج برنارد شاو با وی (شاو) مذاکره می‌کرد، به اصطلاح «عرض یک مو» اشاره کرد که نبوغ را از دیوانگی جدا می‌کند. وینستن گفت: «فرد معمولی ترجیح می‌دهد که فرد خلاق را فردی معیوب یا حداقل مانند دیوانه‌ها تصور کند.» شاو پاسخ داد: «اکثر آن‌ها این طورند، احتمالاً من تنها فرد عاقل خلاق و





همه افراد معمولاً به نحوی از موهبت خلاقیت برخوردارند، برای مثال وقتی آپارتمان خود را تزئین می‌کنند، لباس متفاوتی می‌پوشند یا سرگرم یک کار تفریحی می‌شوند. به بیان دیگر، در چارچوب داوری شخصی، هر یک از وجوه حیات آدمی ممکن است بالقوه همراه با خلاقیت باشد.



ارزیابی می‌کند و در نهایت، تنها چند اثر به عنوان آثار خلاقانه از سخت‌ترین آزمون‌ها می‌گذرند. (گلاور و برونینگ، ۱۳۷۵)



است، مشکلات جدی وجود دارد (نک مایکل، ۱۹۸۸)، تا جایی که براساس استدلال «هوک و وار» تنها راه قابل قبول برای پیش‌بینی خلاقیت فرد در آینده استفاده از آزمون‌ها نیست، بلکه راه آن داوری درباره خلاقیت‌های گذشته فرد است. با وجود این مشکلات، اهمیت خلاقیت برای جامعه ما انکارناپذیر است.

برخی از نتایج تحقیقات در زمینه خلاقیت، کاربردی مستقیم در کلاس درس دارند. (گلاور، برونینگ، ۱۳۷۵) یکی از راه‌های آسان‌تر کردن مطالعه خلاقیت، تشخیص این معناست که خلاقیت را باید از دیدگاه‌های مختلف ملاحظه کرد. برای این منظور، مهم‌ترین دیدگاه، دیدگاه شخصی و اجتماعی است. (نک گلاور و دیگران) از دیدگاه شخصی، یعنی تا آن جا که به خود ما مربوط می‌شود، همه ما می‌توانیم خلاق باشیم. همه افراد معمولاً به نحوی از موهبت خلاقیت برخوردارند، برای مثال وقتی آپارتمان خود را تزئین می‌کنند، لباس متفاوتی می‌پوشند یا سرگرم یک کار تفریحی می‌شوند. به بیان دیگر، در چارچوب داوری شخصی، هر یک از وجوه حیات آدمی ممکن است بالقوه همراه با خلاقیت باشد. (همان منبع)

یکی از معیارهای دشوارتر برای توصیف خلاقیت، چارچوب داوری اجتماعی است. در این سطح، راه‌حل‌های فرد برای مسئله باید با نوآوری و ارزش برای جامعه توأم باشد تا کار خلاق نامیده شود. برای مثال، خلاق بودن کتاب‌ها، نمایشنامه‌ها، فیلم‌ها و ابتکارات علمی، منوط به داوری اجتماعی است. ابتکارات علمی را سایر دانشمندان، داستان‌ها و نمایشنامه‌ها را منتقدان ادبی و تئاتر را عموم مردم

ویژگی‌های افراد خلاق

برای پرورش توانایی خلاقیت در دانش‌آموزان ضروری است از عواملی که افراد خلاق را در زمره شخصیت‌های ویژه قرار می‌دهد آگاهی داشته باشیم. بخش عمده‌ای از تحقیقات سی و پنج سال گذشته دقیقاً بر این موضوع متمرکز شده است. هیز (۱۹۸۸) بیش‌تر عمر خود را برای تحقیق درباره افراد فوق‌العاده خلاق صرف کرد. او افرادی را که جامعه آنان را به عنوان افراد فوق‌العاده خلاق برگزیده است مشخص کرده و در برابر افراد «عادی» قرار داده است. دو عامل از مجموعه عواملی که هیز به دست آورده است، عبارت‌اند از: هوش و انگیزش که به شرح اجمالی هر یک می‌پردازیم.

هوش:

رابطه هوش و خلاقیت چیست؟ چند تن از محققان و از همه برجسته‌تر، رو (۱۹۵۳) و مک کینون (۱۹۶۸)، این مسئله را از طریق آزمایش هوش افراد بسیارخلاق بررسی



افراد خلاق غالباً از نفس کار احساس رضایت نمی‌کنند. آن‌ها فقط از کار مرتبط با راه‌حل‌هایی که شواهد آشکاری از خلاقیت دارند، احساس رضایت می‌کنند. زندگی نامه افراد بسیار خلاق این نکته را مورد تأکید قرار می‌دهد که آن‌ها برای عرضه کارهای مهم، انگیزه‌های عالی دارند.



کرده‌اند. به طور کلی، افراد خیلی خلاق، از مردم عادی با هوش‌ترند، ولی از همکاران غیر خلاق خویش خیلی درخشان‌تر نبودند.

انگیزش:

به نظر می‌رسد که همه رفتارهای خلاقانه‌ای که در سطح اجتماعی مشخص شده‌اند، تلاش فوق‌العاده‌ای را طلب می‌کنند. هیز، متذکر می‌شود که افراد بسیار خلاق، اغلب به طور کامل در کار خود غرق می‌شوند.

برای مثال، سایمون همکار هیز، گزارش می‌دهد که هفته‌ای یکصد ساعت درباره مسئله‌ای مطالعه کرده است تا برای راه‌حل اکتشافی خود به دریافت جایزه نوبل نایل شود. افراد خلاق غالباً از نفس کار احساس رضایت نمی‌کنند. آن‌ها فقط از کار مرتبط با راه‌حل‌هایی که شواهد آشکاری از خلاقیت دارند، احساس رضایت می‌کنند. زندگی نامه افراد بسیار خلاق این نکته را مورد تأکید قرار می‌دهد که آن‌ها برای عرضه کارهای مهم، انگیزه‌های عالی دارند. (هیز، ۱۹۸۸) اعضای خلاق همه حرفه‌ها دارای این گرایش‌اند که در سن پایین کار خود را عرضه کنند، کار بیش‌تری بیافرینند و نسبت به همسن‌های خود دوره طولانی‌تری کار کنند. هیز این مسئله را به زبانی روشن بیان کرده است: «افراد خلاق بسیار سخت کوشند.» (سولسو، ۱۳۷۱)



جو کلاس و خلاقیت

سؤالی که از نظر عملی بسیار مورد توجه مربیانی است که با خلاقیت سروکار دارند، این است که تا چه حدودی جو کلاس به رفتار خلاق دانش آموزان مربوط می شود؟ هیدون و لیتون (۱۹۶۸) دو نوع مدرسه را با هم مقایسه کردند و دریافتند که دانش آموزان مدارس غیر رسمی پیوسته در اندازه گیری تفکر خلاق بهتر از دانش آموزانی عمل کردند که از نظر هوشی و وضع اجتماعی - اقتصادی مانند آن ها بودند ولی در مدارس رسمی تر به تحصیل اشتغال داشتند.

در مورد این موضوع یافته آدامز (۱۹۶۸) حاکی از آن است که دانش آموزان در شرایط غیر رقابتی در آزمون های انعطاف پذیری، نمره بهتری کسب کردند، تا افرادی که تحت شرایط رقابتی آزموده شدند. به علاوه، اگر آزمون کننده صمیمی و پذیرا بود، دانش آموزان حتی بهتر عمل می کردند.

پیش نهادهایی برای ارتقای خلاقیت در دانش آموزان
تورنس پیش نهادهایی را برای رفتار آموزگاران که ارتقای خلاقیت در دانش آموزان را مدنظر قرار می دهند، به شرح زیر فهرست می کند:

- ۱- تفکر خلاق را با ارزش بدانید.
- ۲- کودکان را به محرک های محیطی حساس تر کنید.

۳- دستکاری اشیا و عقاید را تشویق کنید.

۴- جو کلاسی خلاق به وجود آورید.

۵- مهارت های اجتناب از فشارها و تمسخر همسالان را به کودکان بیاموزید.

۶- احساس وحشت از شاهکارها را بر طرف کنید.

۷- کسب دانش در رشته های گوناگون را تشویق کنید.

۸- برای رسیدن به عقاید، منابعی در دسترس آن ها قرار دهید.

۹- انتقاد سازنده را اشاعه دهید، نه فقط انتقاد کردن را.

۱۰- موقعیت هایی برای فعالیت و موقعیت هایی را برای آموزش فراهم کنید.

۱۱- دانش آموزانی پرورش دهید که روحیه حادثه جویی دارند.

منابع:

- آناستازی (۱۳۶۴): ترجمه محمد نقی براهنی، چاپ دوم، تهران.
- اتکینسون، ریتا. ال؛ هیلگارد، ارنست. ر (۱۳۶۸): زمینه روان شناسی، ترجمه محمد نقی براهنی و...، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انتشارات رشد.
- سولسو، رابرت. ال (۱۳۷۱): روان شناسی شناختی، ترجمه فرهاد ماهر، چاپ اول، تهران، انتشارات رشد.
- گلاور، جمان ای؛ برونینگ، راجر، اچ (۱۳۷۵): روان شناسی تربیتی، ترجمه علینقی خرازی، چاپ اول، تهران، نشر دانشگاهی.
- لفرانکوئیس، گای آر (۱۳۷۰): روان شناسی برای آموزش، ترجمه منیجه شهنی بیلاقی، چاپ اول، تهران، انتشارات رشد.